

اصلاحات در قانون تجارت مصوب ۱۳/۲/۱۳۱۱

۱ - ماده ۱ قانون به تعریف «تاجر» اختصاص دارد و می گوید «تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد». از آنجایی که قانون تجارت ناظر بر معاملات تجاریست و این معاملات می تواند توسط شخصی که علاوه بر تجارت، مشاغل دیگری نیز داشته و به کارهای دیگری نیز اشتغال داشته باشد، لذا به نظر می رسد که تعریف تاجر باید موردبازنگری قرار گیرد.

۲ - ماده ۲ قانون نوع و حدود «معاملات تجارتي» را مشخص و بیان نموده است. با عنایت به تنوع و پیچیدگیهای فعالیتهای تجاری و بازرگانی عصر جدید که ناشی از گستردگی فعالیتهای صنعتی و تولید کالاها و خدمات می شود، نمونه های ارائه شده برای معاملات تجارتي در این ماده بویژه در رابطه با «فعالیتهای خدماتی» از جامعیت لازم برخوردار نمی باشد. ۳ - ماده ۶ قانون دفاتری را که تاجر مکلف به نگهداری و ثبت آنهاست، مورد اشاره قرار داده است. موارد ذکر شده در این ماده با توجه به تحولات عمیق در حرفه حسابداری و استقرار نظامهای مالی الکترونیک و بویژه امکان بکارگیری سیستمهای PAPER LESS، باید مورد تجدیدنظر کلی قرار گیرد. البته در آئین نامه نحوه تنظیم و تحریر و نگاهداری دفاتر (مصوب ۲۸/۱۲/۱۳۶۹) موضوع تبصره ۱ ماده ۹۵ قانون مالیاتهای مستقیم (مصوب ۳/۱۲/۱۳۶۶) به طور نسبی به این موارد توجه شده اما کافی نیست.

۴ - ماده ۲۰ قانون هفت نوع شرکتهای تجارتي را معین نموده است که نوع اول یعنی شرکتهای سهامی خودبه شرکتهای سهامی عام و خاص تقسیم می گردند و شرکتهای تعاونی نیز به شرکتهای تعاونی تولید و تعاونی مصرف تقسیم می شوند. برخی از انواع این شرکتهای مانند «مختلط غیرسهامی» و «مختلط سهامی» در عمل موردعنایت و استفاده نیستند. لذا باید با توجه به ضرورتها و نیازها، انواع شرکتهای تجاری و چارچوب قانونی آنها مجدداً تعریف گردد.

لازم به توضیح است که تنها درمورد شرکتهای تعاونی در فصل هجدهم قانون شرکتهای تعاونی مصوب ۱۶/۳/۱۳۵۰ مواد ۹۵ لغایت ۱۰۶ به ادغام اینگونه شرکتهای اختصاص دارد. درخصوص انحلال و ازبین رفتن شخصیت حقوقی یک شرکت سهامی (عام یا خاص) و علل مختلف آن، مقررات بخش ۹ اصلاحیه قانون تجارت مصوب اسفند ۱۳۴۷ مواد ۱۹۹ لغایت ۲۳۱ حاکم است و دلایل دیگری مانند ادغام در شرکت دیگر پیش بینی نشده است. لذا تا زمانی که مقررات و قواعد ادغام شرکتهای در قانون تجارت ایران منظور نگردد، موانع حقوقی و محدودیتهای ناشی از قانون مدنی و حقوق اشخاص مانع ادغام شرکتهای سهامی خواهد شد. بنای مثال، طلبکاران شرکت «الف» که قرار است در شرکت «ب» ادغام شود و

شخصیت حقوقی شرکت «الف» از بین رفته و حقوق و تعهدات آن به شرکت «ب» انتقال یابد، ممکن است به این امر رضایت ندهند.

در رابطه با تشکیل شرکتهای مادر و گروه شرکتهای به نظر نمی رسد که انجام کار تحت قوانین و مقررات موجود با مشکل مواجه باشد. هر شخص حقوقی می تواند سهام چند شرکت دیگر را خریداری و با در اختیار داشتن سهام مدیریتی آنها، شرکتهای سرمایه پذیر را اداره و کنترل کند. کما اینکه از سالهای پیش از انقلاب تاکنون از این نوع شرکتهای زیاد داشته ایم. مانند گروه صنعتی بهشهر، گروه ملی و آذرین (مشهور به کفش ملی) و غیره. در خصوص تشکیل کنسرسیوم یعنی اتحاد و توافق چند شرکت برای انجام کار مشخص تحت مقررات یک قرارداد واحد (مثلاً اجرای بخشهای مختلف یک پروژه توسط هریک از شرکتهای عضو کنسرسیوم) باید گفت که تحت قوانین موجود، قابل انجام است و سالهاست که اجرا می گردد. اما جا دارد که در قانون تجارت به منظور تصریح و تبیین بهتر حقوق و تکالیف هریک از اعضای کنسرسیوم، در مقابل یکدیگر و رابطه با کارفرما و مانند آن، مواردی پیش بینی شود. ۱

تشکیل کنسرسیوم یعنی اتحاد و توافق چند شرکت برای انجام کار مشخص تحت مقررات یک قرارداد واحد (مثلاً اجرای بخشهای مختلف یک پروژه توسط هریک از شرکتهای عضو کنسرسیوم) اما سرمایه گذاری مشترک دو سرمایه گذار از دو ملیت مختلف را " **Joint venture**" گویند. کنسرسیوم یعنی اتحاد و توافق چند شرکت برای انجام کار مشخص تحت مقررات یک قرارداد واحد (مثلاً اجرای بخشهای مختلف یک پروژه توسط هریک از شرکتهای عضو

مجموعه قوانین تجاری فعلی ایران متشکل از یک قانون ترجمه و اقتباس شده و چند اصلاحیه تکمیلی است که طی سالیان گذشته حسب ضرورت به آن اضافه شده است. در شرایط کنونی باید یک قانون تجارت جدید با بهره گیری از تجربیات اجرای قوانین تجاری فعلی و درک اوضاع پیچیده و مناسبات اقتصادی امروز جهان وضع و تصویب شود. ضرورت تحول و تجدیدنظر در قانون تجارت فعلی احساس می شود و انجام این مهم کار کارشناسی دقیقی را طلب می کند.

در قانون جدید می باید تضمینهای لازم برای صدور اوراق قرضه و بازپرداخت آن به طور روشن پیش بینی گردد.